



Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.4.15.1

## Investigating Socio-Economic Consequences of Nomads Settlement (Case study: Godarpee Site of Kermanshah Township)

Ayoub Mahmoudi Mastali<sup>1</sup> & Marjan Vahedi<sup>2\*</sup>

1. Ph.D Student of Agricultural Extension & Education, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran

2. Assistant professor, Department of Agricultural Extension & Education, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran

\* Corresponding author: Email: [marjan.vahedi@ilam-iau.ac.ir](mailto:marjan.vahedi@ilam-iau.ac.ir)

Receive Date: 13 August 2019

Accept Date: 16 March 2020

### ABSTRACT

**Introduction:** Iran's nomadic community, along with urban and rural communities, form one of the three forms of life and livelihood of our country. which is much more difficult than the other two systems, for this purpose, various strategies have been presented by the relevant planners and experts in order to improve the quality of this way of life, including nomad settlement strategies, which are mainly aimed at the development and development of the nomadic community and providing better services to This deprived society has accepted.

**Research aim:** The purpose of the current research was to investigate the social-economic consequences of the settlement of nomads in Godarpi site in Kermanshah city.

**Methodology:** The current research is applied in terms of its purpose and descriptive survey in terms of data collection method. The statistical population of this research was 60 households settled in the target site, and due to the limited statistical population, all these people were studied by census method. The tool of data collection was a questionnaire, whose content validity was confirmed based on the opinions of experts and its reliability was confirmed using Cronbach's alpha coefficient of 0.72. Data analysis was done using descriptive statistics and inferential statistics with the help of SPSS software.

**Studied Areas:** The geographical scope of this research is nomad settlement centers in Godarpi site located in Sarfirouzabad area of Kermanshah city

**Results:** The results of the correlation t mean comparison test regarding the economic indicators showed that there was no significant difference between the status of income, employment and animal husbandry of the nomads in the conditions before and after the settlement, but there was a significant difference in the status of agriculture and destruction of forests and pastures. A level of 99% has been observed. Also, regarding the social indicators between literacy status, cultural status, access to amenities, security, age of marriage and environmental and personal health, there is a significant difference at the 99% level in the two conditions before and after settlement, and these indicators are relative They have had positive growth before settlement.

**Conclusion:** According to the results of the analysis, it was found that the economic indicators such as income, employment and animal husbandry of the nomads had a negative growth after the settlement, and the indicators of the two components of agriculture and forest and pastures had a positive growth compared to before the settlement. In the field of social indicators, it can be concluded that settlement has improved social indicators (growth and literacy, cultural status, welfare facilities, security, appropriateness of marriage age and personal health and environment), but the production of handicrafts of nomads has had a negative growth.

**KEYWORDS:** Nomads, Settlement, Economic Consequences, Social Consequences, Kermanshah



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی  
دوره ۱۷، شماره ۴ (پیاپی ۶۱)، زمستان ۱۴۰۱  
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۵ - شاپای الکترونیکی ۵۹۵۸-۲۵۳۸  
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>  
صص. ۱۱۳۹-۱۱۵۱

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.4.15.1

مقاله پژوهشی

## بررسی پیامدهای اقتصادی - اجتماعی اسکان عشایر (مطالعه موردی: سایت گذرپی شهرستان کرمانشاه)

ایوب محمودی مستعلی<sup>۱</sup> و مرجان واحدی<sup>۲\*</sup>

۱. دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران  
۲. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

\*نویسنده مسئول: Email: [marjan.vahedi@ilam-iau.ac.ir](mailto:marjan.vahedi@ilam-iau.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۲۲ مرداد ۱۳۹۸  
تاریخ پذیرش: ۲۶ اسفند ۱۳۹۸

### چکیده

**مقدمه:** جامعه عشایر ایران در کنار جوامع شهری و روستایی یکی از اشکال سه‌گانه الگوی زیست و معیشت کشورمان را تشکیل می‌دهند. که به مراتب نسبت به دو نظام دیگر با دشواری بیشتری همراه می‌باشد بدین منظور از سوی برنامه‌ریزان و متخصصین مربوطه به منظور ارتقاء کیفیت این شیوه از زندگی راهبردهای گوناگونی ارائه گردیده است، از جمله راهبردهایی اسکان عشایر می‌باشد که عمدتاً باهدف عمران و توسعه جامعه عشایری و خدمات‌رسانی بهتر به این جامعه محروم انجام پذیرفته است.

**هدف:** هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی پیامدهای اقتصادی - اجتماعی اسکان عشایر در سایت گذرپی در شهرستان کرمانشاه بوده است.

**روش‌شناسی:** پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق، خانوارهای اسکان یافته در سایت موردنظر، به تعداد ۶۰ خانوار بودند که به دلیل محدود بودن جامعه آماری، تمامی این افراد به روش سرشماری مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است که روایی محتوایی آن بر اساس نظرخواهی از صاحب‌نظران و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به میزان ۰/۷۲ تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی به کمک نرم‌افزار SPSS انجام شده است.

**قلمرو جغرافیایی:** قلمرو جغرافیایی این پژوهش، کانون‌های اسکان عشایر در سایت گذرپی واقع در دهستان سرفیروزآباد شهرستان کرمانشاه می‌باشد.

**یافته‌ها:** نتایج آزمون مقایسه میانگین t همبسته در مورد شاخص‌های اقتصادی نشان داد که بین وضعیت درآمد، اشتغال و دامداری عشایر در شرایط قبل و بعد از اسکان، تفاوت معنی‌داری وجود نداشته اما در مورد وضعیت زراعت و تخریب جنگل‌ها و مراتع، تفاوت معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد مشاهده شده است. همچنین در مورد شاخص‌های اجتماعی بین وضعیت سوادآموزی، وضعیت فرهنگی، دسترسی به امکانات رفاهی، امنیت، سن ازدواج و بهداشت محیطی و فردی، در دو شرایط قبل و بعد از اسکان تفاوت معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد وجود داشته و این شاخص‌ها نسبت به قبل از اسکان رشد مثبت داشته‌اند.

**نتایج:** با توجه به نتایج تجزیه و تحلیل انجام گرفته، مشخص گردید که شاخص‌های اقتصادی نظیر درآمد، اشتغال و دامداری عشایر بعد از اسکان دارای رشد منفی، و شاخص‌های دو مؤلفه زراعت و جنگل و مراتع نسبت به قبل از اسکان دارای رشد مثبت بوده‌اند. در زمینه شاخص‌های اجتماعی می‌توان نتیجه گرفت که اسکان سبب بهبود شاخص‌های اجتماعی (رشد و سوادآموزی، وضعیت فرهنگی، امکانات رفاهی، امنیت، متناسب شدن سن ازدواج و بهداشت فردی و محیط) شده است، اما تولید صنایع دستی عشایر دارای رشد منفی بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** عشایر، اسکان، پیامدهای اقتصادی، پیامدهای اجتماعی، کرمانشاه

## مقدمه

جامعه عشایر ایران در کنار جوامع شهری و روستایی یکی از اشکال سه‌گانه الگوی زیست و معیشت کشورمان را تشکیل می‌دهند که اساس اقتصاد و معیشت این جامعه متکی به بر دامداری متحرک بوده و ایلات و طوایف عشایری برای فراهم نمودن شرایط چرای دام‌هایشان در مراتع حداقل دو بار در سال اقدام به کوچ بین قلمروهای بیلاقی و قشلاقی می‌کنند عشایر متناسب با نوع و ترکیب دام، شرایط اقلیمی-جغرافیایی قلمروهای کوچ و استقرار، مسافت بین مناطق سردسیر و گرمسیر، شکل و نوع وسیله جابجایی و برخی عوامل تأثیرگذار دیگر، تقویم یا موعود کوچ خود را تنظیم و مدت‌زمان مشخصی را در مناطق بیلاقی، قشلاقی و میان‌بند استقرار پیدا می‌کنند، گوناگونی در ارکان و اجزای کوچ باعث شده تا اشکال متنوعی از الگوهای کوچ و استقرار، نظام بهره‌برداری از دام و مرتع، انواع بهره‌برداری‌های زراعی و باغی، فعالیت‌های خدماتی و تولید صنایع‌دستی در مناطق عشایری وجود داشته باشد به همین دلیل هر منطقه عشایری شیوه خاص برنامه‌ریزی و خدمات‌رسانی را طلب می‌کند تا با شرایط و مقتضیات مناطق عشایری منطبق و سازگار باشد (قندالی، ۱۳۹۶: ۵). در این زمینه طرح‌های اسکان در پی اهدافی همچون برقراری عدالت، بهبود توسعه انسانی، پایداری محیطی و افزایش رفاه و رضایت‌مندی آن بخش از افراد جامعه که کوچ‌نشین می‌باشند، به اجرا درآمده‌اند. اسکان جامعه کوچنده به گونه درون‌زا و خودجوش و یا برنامه‌ریزی‌شده توسط دولت، با تحولاتی اساسی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیستی زندگی عشایر همراه است (توکلی و ضیاء‌توانا، ۱۳۸۸: ۸۶-۵۳). یکی از راهبردهای مطرح در برنامه‌ریزی‌های توسعه عشایری، ساماندهی و اسکان عشایر بوده است که عمدتاً باهدف عمران و توسعه جامعه عشایری و خدمات‌رسانی بهتر به این جامعه محروم انجام پذیرفته است (صالحی، ۱۳۸۳: ۱۵) و از آنجاکه ساماندهی به اسکان موجب تغییراتی در شیوه زیست و معیشت عشایر می‌شود، بدون شک این پدیده آثاری از خود به‌جای می‌گذارد. مطالعات انواع این اثرات و نحوه تأثیرپذیری کانون‌های اسکان به‌طوری‌که نتایج آن امکان پیش‌بینی دگرگونی‌های حاصل را برای برنامه‌ریزی‌های بعدی در ابعاد مختلف به‌صورت پیش‌اندیشیده فراهم سازد، در راستای این ضرورت است.

بحران درزمینه زندگی عشایر و کوچ‌نشانان از زمان قاجار آغاز گردید و بزرگ‌ترین ضربه‌ها در دوره رضاخان وارد آمده است، در دوران پهلوی اول باسیاست اسکان اجباری و سلسله‌مراتب سیاسی و مدیریتی و در دوران پهلوی دوم با نادیده گرفتن جامعه عشایری در برنامه‌های توسعه، به‌مرور نوعی مهاجرت و اسکان اجباری را بر پی آن اختیاری را بر این جامعه تحمیل کرده است و در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، خدمات‌رسانی و ارتقاء سطح زندگی این جامعه مطرح گردیده و به‌ویژه از سال ۱۳۷۱ این مبحث در قالب کانون‌های اسکان هدایتی و خودجوش تبلور پیدا کرده است، هرچند در این دوره با تغییر رویکردها به سمت توسعه، محرومیت‌زدایی، خدمات‌رسانی و برنامه‌های اسکان هدایتی و ایجاد تغییر در زندگی عشایر نتایج مثبتی را به همراه داشته است اما نتوانسته روند قبلی را کاملاً متوقف و یا ساماندهی نماید و توسعه پایدار را در این نوع از زندگی و معیشت تحقق بخشد (امان‌الهی، ۱۳۶۷).

بررسی عملکرد سیاست‌های اتخاذشده درزمینه اسکان و ارتقاء شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی عشایر طی سال‌های گذشته نشان‌دهنده این است که به‌رغم برخی اقدامات صورت گرفته، اهداف موردنظر کمتر از میزان پیش‌بینی‌شده تحقق یافته است به‌گونه‌ای که تا پایان سال ۱۳۸۸، تنها ۷۵۴۱۴ خانوار عشایری در کانون‌های توسعه اسکان یافته‌اند (رضایی، ۱۳۹۱: ۹). عشایر استان کرمانشاه با دارا بودن ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار واحد دامی از نظر شاخص دام در رتبه چهارم کشوری قرار دارند، که ۳۰ درصد گوشت قرمز تولیدی استان (معادل سالانه ۱۶ هزار و ۷۵۰ تن گوشت) را تولید می‌کنند (پاپ‌زن ۱۳۹۳: ۵۹). همچنین بر اساس گزارش آزادی‌مدیرکل امور عشایر استان کرمانشاه (۱۳۹۵) علاوه بر گوشت قرمز، سالانه حدود ۲۴۵۰۰ تن شیر، ۱۶۳۰ تن الیاف دامی، ۶۰۰ تن روغن حیوانی، بیش از ۲۱۹۰۰ قطعه صنایع‌دستی (چیخ، چادر، خورجین، توبره، گلیم، گیوه، قالی، قالیچه، نمد، موج، جاجیم و غیره) توسط عشایر استان تولید می‌گردد.

بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال (۱۳۸۷) جمعیت عشایر کوچنده در سال ۱۳۷۷، برابر ۱ میلیون و ۳۰ هزار و ۸۹ نفر بوده که در سال ۱۳۸۸ به ۱ میلیون و ۱۸۶ هزار و ۸۳۰ نفر رسیده است. در این میان تعداد جمعیت عشایر استان کرمانشاه در سال ۱۳۷۷ بالغ بر ۷۳۸۷۹ نفر بوده است که در سال ۱۳۸۷ به ۷۹۲۱۸ نفر رسیده است. که طی این دوره جمعیت عشایر کل کشور ۱/۱۵ درصد و عشایر استان کرمانشاه ۱/۰۷ درصد افزایش داشته‌اند. باوجوداینکه جامعه عشایری کمتر از دو درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، میزان تولیدات و فعالیت‌های اقتصادی آنان، از اهمیت بسیار بالایی این جامعه در چرخه تولید کشور

حکایت دارد. با در نظر داشتن چنین ظرفیت‌هایی می‌توان ادعا کرد عشایر استان از جمله ارکان اقتصاد منطقه‌ای به شمار می‌آیند. کانون مورد مطالعه در این پژوهش، در اوایل دهه ۱۳۷۰ ایجاد شده است و در طول این مدت اقدامات کمی در زمینه تجهیز کانون صورت گرفته است که از جمله این اقدامات می‌توان به برق، آبلوله‌کشی، آنتن پوشش تلفن همراه و دبستان اشاره کرد. راه دسترسی کانون و داخل کانون معابر خاکی است و در فصول بازندگی وضعیت نامناسبی ایجاد می‌شود.

زبان و گویش عشایر اسکان یافته در کانون گدارپی لکی می‌باشد، که از ایل بالوند و از طایفه رزدلان و تیره گشان هستند. محدوده‌های بیلاقی و قشلاقی محل استقرار این ایل در بخش فیروزآباد، دهستان سرفیروزآباد در شهرستان کرمانشاه واقع است. بطوری که خانوارهای عشایری ایل مذکور در فصل بیلاق به ارتفاعات کوه سفید، سبز عمو، نمیر کوچ می‌کنند و در فصل قشلاق خود در روستاهای ریخل، چم نوزده، چنار، کولسه، گدارپی علیا و سفلی، گردکاندار، بانریوند، باغ یاسم، سامله، میانسراوان، آبظاف، چراغ آباد و زنگی بسر می‌برند. زمین‌های زراعی در این کانون برابر ۱۵۰ هزار هکتار می‌باشد که تمام آن به صورت آبی کشت می‌شود. نحوه تملک این زمین‌ها به صورت اجاره‌ای است که هیچ زمینی به صورت آیش و جود ندارد. مهم‌ترین محصولات زراعی کانون از ۸۰ درصد گندم، ۲۰ درصد جو می‌باشد، بهره برداری به صورت بهره‌برداری خانوادگی صورت می‌گیرد که به دلایل اقتصادی، کم بودن میزان زمین زراعی، عدم تخصیص زمین به زوج‌های جوان و درآمد ناکافی، بهره‌برداران از وضعیت بهره برداری خود رضایت ندارند. بیشتر خانوارها در این منطقه، قبل از اسکان دامدار بوده‌اند و بعد از اسکان به زراعت یا زراعت در کنار دامداری روی آورده‌اند. پوشش مرتعی کانون کم تراکم و جنگل نیمه انبوه است که برای چرای دام مناسب بوده و دام‌های کانون از این پوشش گیاهی تغذیه می‌کنند. مساحت کانون مورد مطالعه بالغ بر حدود ۳۷۰۰ هکتار می‌باشد که حدود ۶۰ درصد آن در منطقه بیلاق و ۴۰ درصد آن در منطقه قشلاق واقع است. عشایر این کانون دارای ۴ هزار رأس گوسفند، بره، بز و بزغاله، گاو و سایر احشام می‌باشند. با توجه به این ارقام، سرانه کل دام کانون برای هر خانوار حدود ۶۳ رأس می‌باشد و این در حالی است که سرانه دام عشایر کوچنده استان در دوره بیلاق ۱۰۸ رأس و در دوره قشلاق ۹۶ رأس می‌باشد که این ارقام نشان‌دهنده کاهش سهم دامداری در بین عشایر کانون است که یکجانشین شده‌اند. بنابراین ضرورت دارد با انجام یک مطالعه علمی، اثرات اقتصادی - اجتماعی اسکان عشایر در این منطقه مورد بررسی قرار گیرد. بدین ترتیب این پژوهش در پی پاسخگویی به این دو سؤال اصلی است که:

- آیا اسکان عشایر سبب بهبود شاخص‌های اقتصادی زندگی آن‌ها شده است؟
- آیا اسکان عشایر سبب بهبود شاخص‌های اجتماعی زندگی آن‌ها شده است؟

در زمینه اسکان عشایر و اثرات آن بر زندگی این قشر از جامعه در سطح جهانی و کشور ما بررسی‌هایی صورت گرفته که جهت تفهیم بهتر مسئله به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود. توفیقیان و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان سنجش سطوح زیست‌پذیری کانون‌های اسکان عشایری به این نتایج دست یافتند که استقبال و تمایل نخستین برای سکونت ثابت، عمدتاً کنشی ناشی از استیصال و کیفیت پایین زندگی عشایر بوده است. بنابراین، در کنار تقویت بنیان‌های معیشتی کانون‌های اسکان، باید پیامدهای کالبدی رضایت‌بخشی مانند بهبود وضع مسکن و بهره‌مندی‌های خدماتی آن را نیز تقویت نمود. با این حال، مهم‌ترین پیامد اسکان، تغییر در الگوهای معیشتی است که ناگزیر با تغییرات و تخریب‌هایی در منابع و محیط هم همراه بوده است. در هر چهار کانون مطالعه شده، مولفه‌های اشتغال و درآمد (در بُعد اقتصادی) بیش‌ترین اثر مستقیم و غیرمستقیم (رابطه علی) را بر زیست‌پذیری کانون‌ها داشته است، به طوری که می‌توان گفت هرچه این کانون‌ها از بنیان‌های اقتصادی پایدارتری برخوردار باشند، احتمال زندگی و محیط زیست‌پذیرتر در بین آن‌ها بیشتر است، دهقانی (۱۳۹۸) در پژوهش خود مؤلفه‌های مؤثر بر میزان رضایت مندی عشایر از محل اسکان آن‌ها در دشت بکان را بررسی کرده و نشان داده است که بین متغیرهای جنسیت، تحصیلات و درآمد خانوار با میزان رضایت‌مندی ارتباط معنی‌دار وجود داشته و در مجموع میزان رضایت عشایر از محیط زندگی ایجاد شده در حد مطلوبی قرار ندارد. ذاکری و همکاران (۱۳۹۶)، مشکلات اجرای طرح‌های اسکان عشایر خراسان شمالی را بررسی کرده و نشان داده‌اند که معیارهای مدیریتی - برنامه‌ریزی و فرهنگی - اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین معیارهای اثرگذار بر عدم موفقیت اجرای طرح‌های اسکان بوده و وضعیت اقتصادی عشایر اسکان یافته در کانون‌های خودجوش به مراتب بهتر از عشایر کوچ رو اسکان یافته است، علاوه بر این به دلیل آن که در اسکان خودجوش فشار سیاسی و طبیعی حاکم نیست و افراد کوچ نشین با میل و رغبت به یکجا نشینی رو می‌آورند لذا موفقیت طرح‌های اسکان بیشتر به نظر می‌رسد. پژوهش بریمانی و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان تأثیر اسکان عشایر سیستانی بر میزان مشارکت زنان در تأمین درآمد خانوار نشان داد که وضعیت عمومی عشایر اسکان یافته نامناسب

است و نقش زنان عشایر در تولید فرآورده های لبنی و صنایع دستی پس از اسکان تضعیف و درآمد خانوار نیز کاهش یافته است. براساس یافته‌های این پژوهش، سیاست اسکان عشایر در سامانه های مورد مطالعه موفقیت آمیز نبوده است. صید زاده و رضایی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان مقایسه وضع درآمدی عشایر اسکان یافته و شناسایی عوامل ایجادکننده تفاوت‌های درآمدی در دو وضعیت کوچندگی و اسکان در استان ایلام نشان دادند که متوسط درآمد حقیقی سالیانه خانوار، در وضعیت اسکان نسبت به حالت کوچندگی کمتر شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که وضع اقتصادی عشایر اسکان یافته استان ایلام در حالت کوچندگی نسبت به وضعیت اسکان بهتر بوده و از این رو، الگوی زیست کوچندگی عشایر در مقایسه با اسکان، از نظر اقتصادی برای آن‌ها بهتر است. نتایج پژوهش کرمی و دریکوندی (۱۳۹۵) بر روی عشایر استان لرستان نشان داد که اسکان عشایر بر نرخ باسوادی، میزان زمین زراعی، تعداد واحد دامی، نوع شغل، سطح برخورداری از امکانات فرهنگی-اجتماعی، سطح برخورداری از امکانات بهداشتی-درمانی، امکانات رفاهی و خدمات بیمه‌ای خانوارهای عشایر تأثیر مثبت و بر وضعیت اشتغال و میزان درآمد آن‌ها تأثیر منفی داشته است. هرچند که تأثیرات منفی عمدتاً مربوط به آن دسته از کسانی بوده که به طور خود جوش و غیرهدایتی اسکان یافته‌اند. محمدی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان فقر اقتصادی عشایر اسکان یافته استان فارس و تعیین عوامل مؤثر بر آن، نشان دادند که تقریباً نیمی از خانوارهای عشایر اسکان یافته با فقر اقتصادی مواجه اند. از بین این خانوارهای فقیر، نزدیک به شصت درصد خانوارها از فقر شدید رنج می‌برند. بر این اساس می‌توان دریافت که منابع دامی و زراعی موجود و در اختیار این خانوارها کفاف بخش نیاز آن‌ها نیست.

نتایج بررسی‌های دهقانی و عادل ساردوئی (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان سنجش و ارزیابی معیارهای پایداری در کانون‌های اسکان عشایری نشان داد که کانون‌های اسکان عشایری مورد مطالعه از نظر پایداری از حد متوسط پایین‌تر است. طبقه بندی کانون‌ها در سه بعد محیطی، اجتماعی و اقتصادی با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره صورت گرفته است و پایداری اقتصادی نقش مؤثری در سطح پایداری کانون‌ها دارد به طوری که ۷۸ درصد تغییرات پایداری را تبیین می‌کند. در نتیجه توجه به ارتقای شاخص‌های اقتصادی در کانون‌های اسکان مورد مطالعه ضروری است. و نیز توجه به ویژگی‌های کالبدی مانند ساماندهی دفع زباله و طرح‌های هادی، دارای اولویت اساسی هستند. همچنین نتایج حاصل از مدل تاپسیس نشان داد که کانون‌های اسکان عشایری در شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی از نظر سطح برخورداری رتبه های متفاوتی را دارا هستند، که این امر نشانگر نابرابری در برخی از شاخص‌ها در کانون‌های مورد مطالعه است. بدین ترتیب توجه به سکونتگاه‌های عشایری و شناخت هرچه بیشتر نارسایی‌های مربوط به این قشر به منظور برنامه‌ریزی اصولی و ارایه راهبردهای صحیح و اجرایی باهدف نیل به توسعه و پیشرفت متعادل منطقه‌ای، ضرورتی اجتناب ناپذیر به شمار می‌آید. نتایج بررسی نوروزی و محمودیان (۱۳۹۴) روی عشایر شهرستان کوهرنگ نشان داد که جامعه عشایر اسکان یافته و اسکان نیافته در زمینه شاخص‌های اقتصادی نظیر درآمد، مالکیت، تولید و اشتغال تفاوت چندانی ندارند و این امر به دلیل آن است که در زمان اسکان برای عشایر امکان اشتغال تولید محور و درآمد پایدار ایجاد نشده و به همین علت وضعیت اقتصادی‌شان تقریباً یکسان با اسکان نیافته‌هاست. اما در زمینه شاخص‌های اجتماعی تفاوت بین دو گروه مشهود است. دلیل این امر از آن جهت است که گروه اسکان یافته، نه تنها در برخورداری از خدمات و امکانات شرایط بهتری را دارا بوده‌اند بلکه به علت قرارگیری در مجاورت شهرها و روستاهای ملزم به پذیرفتن بسیاری از تغییرات اجتماعی شده‌اند.

آزادی و همکاران (۱۳۹۵) با تأکید بر نگرش اسکان‌یافتگان سایت تلخاب استان ایلام، به ارزیابی طرح‌های اسکان پرداخته و نشان داده‌اند که این طرح‌ها در حالت کلی توانسته است رضایت عشایر را تأمین کند و عشایر با دید مثبت به آن نگاه می‌کنند. اما از پاره‌ای جهات ابراز داشته‌اند که اقدامات لازم در سایت اسکان به شکل مناسب انجام نگرفته است. شیروانیان و صوفی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی فقر خانوارهای عشایری در دوره خشک‌سالی و شناسایی عوامل تعیین‌کننده آن در استان فارس پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که آنچه در حوزه فقر در دوره خشک‌سالی بسیار اهمیت دارد، افزایش ۴۷/۵ درصدی شکاف فقر در سطح جامعه عشایری است. بررسی عوامل مؤثر در این زمینه بیانگر آن است که منابع آب سطحی و زیرسطحی نامطمئن در قشلاق، عمده‌ترین و اساسی‌ترین عامل افزایش احتمال فقر در جامعه عشایر در دوره خشک‌سالی است. همچنین نتایج تحقیقی تحت عنوان "عوامل مؤثر بر درآمد عشایر اسکان یافته در استان ایلام" نشان داد که طرح اسکان عشایر در استان ایلام در دستیابی به اهداف بهبود وضع اجتماعی عشایر اسکان یافته تا حد زیادی موفق بوده است، زیرا ۸۷/۵ درصد از عشایر اسکان یافته مورد مطالعه میزان دسترسی خود به خدمات بهداشتی، آموزشی و رفاهی را بیش از حد متوسط اعلام کرده‌اند (صیدزاده و رضایی، ۱۳۹۲: ۱۴۳-۱۶۲). نتایج مطالعه ریاحی و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان "بررسی نقش طرح‌های اسکان در توسعه اقتصادی و اجتماعی عشایر کانون‌های

اسکان کهگیلویه و بویراحمد گویای تأثیر مثبت اسکان بر وضعیت اجتماعی و تأثیر منفی در سطح تولید محصولات کشاورزی و دامی عشایر این منطقه می‌باشد. سنایی مقدم و یگانه (۱۳۹۶) در تحلیل جغرافیایی بر نقش سرمایه اجتماعی در کیفیت زندگی خانوارهای عشایری نشان دادند که سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی عشایر مؤثر است و رابطه خطی مثبت و معناداری میان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی وجود دارد، یعنی با افزایش سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی نیز افزایش می‌یابد. همچنین ریاحی و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی تطبیقی ساختار اقتصادی عشایر شهرستان‌های قصرشیرین و ساوه نشان دادند عشایر از نظر اقتصادی ضعیف بوده و بیشتر آن‌ها از میزان درآمد خود ناراضی می‌باشند و با این شرایط تقریباً می‌توان گفت همه آن‌ها ادامه زندگی کوچ‌نشینی را غیرممکن می‌دانستند و عشایر هر دو شهرستان مورد مطالعه نسبت به شاخص‌های اقتصادی در فقر نسبی به سر می‌برند. نتایج تحقیق شاطریان و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان "واکوی اثرات اقتصادی - اجتماعی اسکان خودجوش عشایر بخش دهدز شهرستان ایذه" حاکی از کاهش شدید دام، افزایش بیکاری و گرایش به مهاجرت دائمی می‌باشد. ضیا توانا و توکلی (۱۳۸۶) تحقیقی پیرامون اسکان عشایر و تخریب مراتع در استان چهارمحال بختیاری انجام داده‌اند که در این تحقیق با تکیه بر یافته‌های زیست‌محیطی، اسکان جامعه کوچ رو را بررسی کرده و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که به رغم کاهش دام خانوارهای مورد بررسی، شاخص‌های کیفی مدیریت مرتع روند نامطلوب یافته و در نتیجه تخریب مراتع پیرامون سایت اسکان تشدید شده است. مطالعات رضوانی و دریکوند (۱۳۸۶) که به بررسی و ارزیابی کانون‌های ساماندهی و اسکان عشایر شهرستان ازنا پرداخته‌اند نشان‌دهنده بهبود وضع خدمات، زراعت و باغداری و کاهش مهاجرت و عدم موفقیت درزمینه‌های دامداری، اشتغال، درآمد و مشارکت عشایر منطقه مورد مطالعه می‌باشد.

انایو<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان "آیا اسکان عشایر یک راهبرد معیشت پایدار است؟" نتیجه گرفت که اسکان شرط لازم برای توسعه مناطق عشایری است، اما شرط کافی نیست. آگبا<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) در مقاله خود با عنوان اثرات اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی استقرار مجدد بر مردم باکاسی نیجریه به بررسی ۶۱۵ خانوار جابجا شده پرداخته و نتیجه گرفته است که میزان اثرات اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی بسیار زیاد بوده است در این مناطق سیستم‌های کشاورزی تخریب شده و شبکه حمایت‌های اجتماعی برچیده شده است و در نتیجه خانوارهای کوچک و متوسط بیشتر آسیب‌دیده است. گروشک<sup>۳</sup> (۲۰۰۸)، در تحقیقی تحت عنوان "متوسط درآمد سرانه سالانه عشایر در تبت"، بیان کرده است که متوسط درآمد سرانه عشایر در تبت ۶۵ تا دویست دلار آمریکا بوده و عشایری که متوسط درآمد سالانه آن‌ها کمتر از هشتاد دلار باشد، فقیر محسوب می‌شوند. بر اساس مطالعه هیرانو<sup>۴</sup> (۲۰۰۳)، که با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای و هوایی در مورد عشایر رندیلی در شمال کنیا انجام شده است، اسکان عشایر موجب بروز حلقه‌هایی از تخریب شدید پوشش گیاهی در اطراف سکونت‌گاه‌ها شده است، مصرف چوب برای سوخت افزایش یافته و فشار چرای دام در مقیاس محلی تشدید شده است. در تحقیق خوگالی<sup>۵</sup> (۲۰۰۱)، در سودان این نتایج حاصل شد که علت عدم استقبال عشایر از طرح اسکان به دلیل درآمد پایین محصول پنبه نسبت به درآمد پرورش حیوانات در شرایط کوچ‌نشینی می‌باشد.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق، خانوارهای اسکان یافته در سایت اسکان گداری در استان کرمانشاه به تعداد ۶۰ خانوار بودند که به دلیل محدود بودن جامعه آماری تمامی این افراد به روش سرشماری مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است که روایی محتوایی آن بر اساس نظرخواهی از صاحب‌نظران و پایایی آن با انجام پیش‌آزمون و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به میزان ۰/۷۲ تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS و با استفاده از دو روش آمار توصیفی و استنباطی صورت پذیرفته است. در بخش آمار توصیفی جدول‌های توزیع فراوانی، میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی آزمون مقایسه میانگین تی جهت مقایسه شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی در دو وضعیت قبل و بعد از اسکان استفاده شده است. در جدول (۱) شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی مورد استفاده در این پژوهش به همراه نشانگرهای هر یک آمده است.

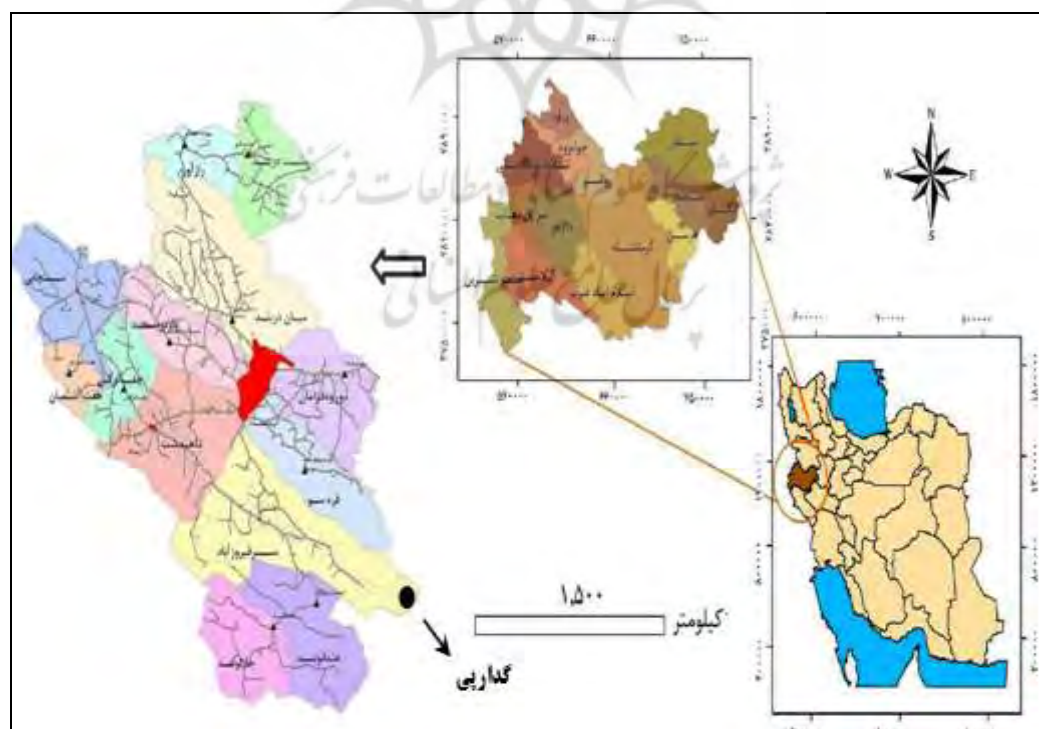
1. Eneyew
2. Agba
3. Gruseke
4. Hirano
5. Khogali

## ۱. شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق در دو بعد اجتماعی و اقتصادی

بعد	شاخص	نشانگرها
اقتصادی	وضعیت درآمد	وضعیت درآمد دامپروری، تولیدات زراعی، درآمد حاصل از فروش تولیدات صنایع دستی و وضعیت پس‌انداز سالیانه
	وضعیت اشتغال	اشتغال جوانان، کارآفرینی و تنوع شغلی و میزان مهاجرت جهت یافتن شغل جدید
	زراعت	تولید زراعی، استفاده از وسایل جدید کشاورزی، تأثیر دلال‌ها بر خریدوفروش محصولات زراعی، دوره‌های آموزشی، ایجاد شغل‌های مرتبط با زراعت
	دامداری	وضعیت تولیدات سنتی، جایگاه نگهداری دام، تولیدات دامی، تهیه علوفه و خوراک دام، دوره‌های آموزشی مرتبط و خدمات دامپزشکی
	جنگل و مراتع	میزان قطع و سرشاخه زنی درختان، میزان استفاده از سبزیجات خوراکی کوهی، میزان استفاده از چوب به‌عنوان سوخت و میزان چرای دام از مراتع
	سوادآموزی	امکان تحصیل سرپرست و اعضای خانواده، فضای آموزشی و شرایط تحصیلات تکمیلی
	تولید صنایع دستی	میزان تولید و اشتغال از طریق صنایع دستی نسبت به قبل از اسکان
اجتماعی	وضعیت فرهنگی	دسترسی به مراکز فرهنگی و کتابخانه، پوشش و گویش محلی، ارتباط با مسئولین و غریبه‌ها و انجام مراسم‌های فرهنگی
	امکانات رفاهی	دارا بودن مسکن مناسب، استفاده از وسایل برقی نظیر یخچال، وسایل سرمایشی و ...، وسایل ارتباط جمعی، تلفن و وسایل نقلیه عمومی
	امنیت	امنیت عمومی، احساس امنیت در تردد شبانه، دسترسی به پاسگاه انتظامی و شورای حل اختلاف، میزان اختلافات قومی و قبیله‌ای
	سن ازدواج	متناسب بودن سن ازدواج، برقراری شرایط ازدواج جوانان از لحاظ اقتصادی، سخت‌گیری خانواده‌ها و میزان طلاق
	بهداشت فردی و محیط	خانه بهداشت، آبلوله‌کشی، حمام بهداشتی و غسلخانه

## قلمرو جغرافیایی پژوهش

کانون توسعه گداری بین ۳۳ درجه و ۵۸ دقیقه و ۴۱ ثانیه عرض جغرافیایی و ۴۷ درجه و ۲۹ دقیقه و ۱۵ ثانیه طول جغرافیایی واقع شده است. این کانون در استان کرمانشاه، شهرستان کرمانشاه، بخش مرکزی و دهستان فیروزآباد قرار دارد. فاصله کانون تا مرکز استان ۶۵ کیلومتر می‌باشد. این کانون از نوع کانون‌های هدایتی است که در محدوده میان‌بند ایجاد شده است.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

## یافته‌ها و بحث

در این بخش ابتدا ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان آورده شده است و سپس به توصیف وضعیت شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی عشایر در دو وضعیت قبل و بعد از اسکان پرداخته شده است. در ادامه و در بخش آمار استنباطی، شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی در دو وضعیت قبل و بعد از اسکان با استفاده از آزمون مقایسه میانگین تی با یکدیگر مقایسه شده‌اند. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده در جدول (۲)، ۸۵ درصد از افراد مورد مطالعه، مرد و ۱۵ درصد از آنان زن بودند. همچنین ۴۱/۶ درصد از آن‌ها در رده سنی میان‌سال، ۳۳/۳ درصد بزرگسال و ۲۵/۱ درصد آن‌ها را جوانان تشکیل می‌دادند. بنابراین بیشتر افراد مورد مطالعه را رده سنی میان‌سالان و بزرگسالان تشکیل می‌دهند که قبل از اسکان زندگی کوچ‌نشینی را تجربه کرده‌اند. همچنین ۴۵ درصد از افراد، دارای سواد (تحصیلات سیکل، ابتدایی و خواندن و نوشتن) و ۵۵ درصد بی‌سواد بوده‌اند. در رابطه با وضعیت اسکان، ۶۰ درصد از آنان نیمه کوچ رو و ۴۰ درصد اسکان دائم داشته‌اند. شغل بیشتر این افراد (۴۸/۳ درصد) دامداری بوده و ۳۸/۳ درصد افراد نیز به زراعت مشغول بودند و مابقی نیز دارای شغل‌های فصلی و کارگری می‌باشند. همچنین نتایج نشان داد که ۴۸/۴ درصد دارای زمین و ۵۱/۶ درصد نیز فاقد زمین می‌باشند که این گروه عمده دامداران نیمه کوچ رو را تشکیل می‌دهند. همچنین از ۶۰ خانوار اسکان یافته ۹۳/۳ درصد در روستا و ۶/۷ درصد در شهر زندگی می‌کنند، که البته با توجه به تک‌کشتی بودن زراعت و کاشت عمده گندم، جو و نخود تعدادی از این خانوارها زمین‌ها را کشت و در فصل برداشت برای جمع‌آوری محصول به روستا باز می‌گردند.

جدول ۲. ویژگی فردی پاسخگویان (n = 60)

شاخص‌ها	گروه	فراوانی	درصد	میانگین	نما
سن (سال)	بزرگسال	۲۰	۳۳/۳	۳۷/۷	میان سال
	میان سال	۲۵	۴۱/۶		
	جوانان	۱۵	۲۵/۱		
جنسیت	مرد	۵۱	۸۵		مرد
	زن	۹	۱۵		
سطح سواد	باسواد	۲۷	۴۵		بی‌سواد
	بی‌سواد	۳۳	۵۵		
وضعیت اسکان	نیمه کوچ رو	۳۶	۶۰		نیمه کوچ رو
	اسکان دائم	۲۴	۴۰		
محل زندگی	روستا	۵۶	۹۳/۳		روستا
	شهر	۴	۶/۷		
نوع شغل	دامداری	۲۹	۴۸/۳		دامداری
	زراعت	۲۳	۳۸/۳		
	سایر شغل‌ها	۸	۱۳/۴		
وضعیت زمین زراعی	دارای زمین	۲۹	۴۸/۴		فاقد زمین
	فاقد زمین	۳۱	۵۱/۶		

## وضعیت شاخص‌های اقتصادی

جدول (۳) وضعیت شاخص‌های اقتصادی را در دو وضعیت قبل و بعد از اسکان عشایر، نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مشخص است، گویه‌های مربوط به وضعیت درآمد و اشتغال، نسبت به قبل از اسکان رشد محسوسی را نشان ندادند و میانگین بیشتر شاخص‌های این دو مؤلفه بعد از اسکان کاهش یافته است. به عبارت دیگر اسکان عشایر سبب بهبود درآمد، اشتغال و دامداری عشایر نشده است. در توجیه این یافته می‌توان گفت که کوچ‌نشینی و استفاده از مراتع و علوفه رایگان باعث می‌شد که عشایر از کلیه ظرفیت‌ها جهت دامداری استفاده کنند. اما پس از ساکن شدن، به علت در اختیار نبودن مراتع و علوفه رایگان و هزینه‌های بالای تهیه خوراک دام، تا حدودی از تعداد دام‌ها کاسته شده و از طرفی به علت مساحت کم زمین‌های کشاورزی و نبود امکانات و زیرساخت‌های لازم برای اشتغال به شغل‌های جدید در روستا میزان بیکاری مخصوصاً در بین جوان‌ترها افزایش یافته است. به علاوه



تولید صنایع‌دستی به علت فاصله گرفتن از زندگی عشایری و تغییر سبک زندگی کاهش یافته و بدین ترتیب مجموع این موارد منجر به کاهش سطح درآمد خانوارهای ساکن گردیده است. در بخش زراعت، میزان استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی بیشترین رشد را نسبت به قبل از اسکان داشته و تولید محصولات زراعی نسبت به قبل از اسکان افزایش یافته است. در بررسی گویه های مرتبط با دامداری، با توجه به ساخت سرپناه برای نگهداری دام، می‌توان گفت که جایگاه نگهداری دام نسبت به قبل از اسکان وضعیت بهتری پیدا کرده، اما تعداد دام خانوارها کاهش یافته است. در مورد وضعیت تخریب جنگل‌ها و مراتع، میانگین هر چهار گویه نشان می‌دهد که در شرایط بعد از اسکان به علت جایگزین کردن گاز مایع و نفت سفید به جای استفاده از چوب درختان جهت سوخت، میزان تخریب جنگل‌ها و مراتع کاهش یافته است.

جدول ۳. وضعیت شاخص‌های اقتصادی (n=60)

میانگین رتبه‌ای*		گوپه های مرتبط	شاخص‌های اقتصادی
قبل از اسکان	بعد از اسکان		
۲/۴۸	۲/۸۰	میزان درآمد سالیانه حاصل از دامپروری	درآمد عشایر
۱/۸۸	۱/۶۸	میزان درآمد سالیانه حاصل از زراعت	
۱/۵۸	۲/۰	وضعیت پس‌انداز سالانه خانواده	
۱/۰۸	۱/۳۲	وضعیت درآمد سالیانه حاصل از تولید و فروش صنایع‌دستی	اشتغال خانوار
۱/۳۸	۱/۰۷	وضعیت مهاجرت جوانان به شهرها و دیگر مناطق جهت یافتن شغل جدید	
۱/۰۲	۱/۷۵	میزان اشتغال جوانان	زراعت عشایر
۱/۱۷	۱/۲۷	کارآفرینی و ایجاد شغل‌های جدید	
۲/۹	۱/۴۲	استفاده از وسایل جدید و به‌روز کشاورزی	زراعت عشایر
۱/۹۳	۱/۵۳	وضعیت تولید محصولات زراعی	
۱/۸۳	۱/۲	ایجاد شغل‌های مرتبط با زراعت	
۱/۰۸	۱/۱۵	برگزاری دوره‌های آموزشی از طرف سازمان جهاد کشاورزی و امکان حضور عشایر در آنها	
۱/۳۳	۱/۲۷	تأثیر دلال‌ها بر خرید و فروش محصولات کشاورزی	
۲/۳۸	۲/۶۷	وضعیت تولید محصولات دامی و لبنی	دامداری عشایر
۲/۲	۱/۶۵	مناسب بودن وضعیت جایگاه نگهداری دام	
۲/۲	۲/۶۵	تعداد دام	
۲/۰۵	۲/۲۳	وضعیت فروش دام	
۱/۹	۱/۶۵	در دسترس بودن مراکز خرید خوراک دام	
۱/۱۷	۱/۲۲	برگزاری و امکان حضور در دوره‌های آموزشی مرتبط با دامپروری	تخریب جنگل‌ها و مراتع
۱/۰۸	۱/۱۲	کیفیت خدمات دامپزشکی ارائه شده	
۳/۹۲	۴/۵	چرای دام از مراتع	
۲/۸۵	۴/۱۱	میزان قطع و سرشاخه زنی درختان	استفاده از سبزیجات خوراکی کوهی
۳/۵۳	۴/۶۱	استفاده از هیزم برای سوخت	
۳/۲۳	۴/۱۵	استفاده از سبزیجات خوراکی کوهی	

\*مقیاس: (۱=خیلی کم=۲ کم=۳ متوسط=۴ زیاد=۵ خیلی زیاد)

همچنین در این پژوهش جهت پاسخگویی به این سؤال که: آیا اسکان عشایر سبب بهبود شاخص‌های اقتصادی شده است؟ از آزمون مقایسه میانگین تی به‌منظور مقایسه شاخص‌ها در دو وضعیت قبل و بعد از اسکان استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول (۴) نشان داده شده است. همان‌گونه که در جدول مشخص است، بین میانگین وضعیت درآمد، اشتغال و دامداری عشایر، قبل و بعد از اسکان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد؛ اما با توجه به سطح معنی‌داری دو مؤلفه دیگر یعنی وضعیت زراعت و تخریب جنگل‌ها و مراتع می‌توان نتیجه گرفت که در مورد این دو مؤلفه، در شرایط قبل و بعد از اسکان تفاوت معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد مشاهده می‌شود. به‌عبارت‌دیگر اسکان عشایر سبب بهبود شاخص‌های این دو مؤلفه گردیده است چراکه از یک‌سو پس از اسکان بیشتر خانوارها از تعداد دام‌های خود کاسته و بیشتر به زراعت روی آورده‌اند و از سوی دیگر به‌جای استفاده از هیزم، بیشتر از گاز مایع استفاده می‌کنند و به همین دلیل از تخریب مراتع کاسته شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون t همبسته برای شاخص‌های اقتصادی قبل و بعد اسکان

Sig	Df	T	انحراف متوسط از میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	شاخص‌های اقتصادی
۰/۰۷	۵۹	۱/۷۹	۰/۱۰	۰/۸۳	۱/۹۵	۶۰	قبل از اسکان
			۰/۰۷	۰/۶۰	۱/۷۵	۶۰	بعد از اسکان
۰/۰۹	۵۹	۱/۷۰	۰/۰۶	۰/۴۲	۱/۳۶	۶۰	قبل از اسکان
			۰/۰۵	۰/۳۹	۱/۲۵	۶۰	بعد از اسکان
۰/۰۰۰	۵۹	-۶/۹۵	۰/۰۵	۰/۳۹	۱/۳۱	۶۰	قبل از اسکان
			۰/۰۷	۰/۵۴	۱/۸۱	۶۰	بعد از اسکان
۰/۷۹	۵۹	۰/۲۶	۰/۰۷	۰/۵۶	۱/۸۸	۶۰	قبل از اسکان
			۰/۰۶	۰/۵۱	۱/۸۵	۶۰	بعد از اسکان
۰/۰۰۰	۵۹	۷/۲۱	۰/۱۰	۰/۷۹	۴/۲۴	۶۰	قبل از اسکان
			۰/۱۰	۰/۸۵	۳/۳۸	۶۰	بعد از اسکان

### وضعیت شاخص‌های اجتماعی

جدول (۵) وضعیت شاخص‌های اجتماعی را در دو وضعیت قبل و بعد از اسکان نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مشخص است گویه‌های مرتبط با خدمات آموزشی و امکان تحصیل، وضعیت بهتری نسبت به قبل از اسکان داشته‌اند، چراکه در زمان کوچ‌نشینی مدرسه ابتدایی در دسترس نبوده اما پس از اسکان، مدرسه ابتدایی در روستا وجود داشته و امکان استفاده کودکان دختر و پسر از خدمات آموزشی فراهم شده است. در بخش صنایع دستی رشد قابل ملاحظه‌ای مشاهده نمی‌شود و میانگین رتبه‌ای نشانگرهای این شاخص، نسبت به قبل از اسکان کاهش یافته است. در بخش گویه‌های مرتبط با شاخص فرهنگی، ارتباط عشایر با غریبه‌ها و مسئولین افزایش یافته و استفاده از پوشش محلی و گویش محلی تا حدودی کاهش یافته است. همچنین بررسی مؤلفه امکانات رفاهی و امنیت، نشان می‌دهد گویه‌های مربوطه دارای رشد بهتری نسبت به قبل از اسکان می‌باشند، استفاده از وسایل برقی، وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو و تلویزیون و تلفن افزایش یافته اما روستا همچنان دارای پوشش ضعیف آنتن دهی تلویزیون و تلفن همراه می‌باشد. در بخش ازدواج جوانان، سخت‌گیری خانواده‌ها نسبت به ازدواج افزایش یافته و میانگین ازدواج در سن پایین و مهیا شدن شرایط ازدواج جوانان کاهش یافته است؛ بررسی مؤلفه‌های بهداشت فردی و محیطی نشان می‌دهد با توجه به در دسترس بودن آب آشامیدنی لوله‌کشی و خانه بهداشت این دو گویه رشد قابل ملاحظه‌ای را نشان داده‌اند.

جدول ۵. وضعیت شاخص‌های اجتماعی

شاخص‌های اجتماعی	گویه‌های مرتبط	
	قبل از اسکان	بعد از اسکان
خدمات آموزشی و امکان تحصیل	۱/۰۲	۳/۲۲
	۱/۰۷	۳/۰۸
	۱/۰	۱/۳۹
تولید صنایع دستی	۱/۰۳	۱/۰۷
	۱/۱۸	۱/۱۳
مؤلفه‌های فرهنگی	۲/۸۸	۱/۰۸
	۴/۹۷	۴/۷۸
	۴/۸۳	۳/۶۲
امکانات رفاهی	۲/۰۳	۳
	۲/۰	۲/۶۳
	۱/۳۵	۲/۲۲
	۱/۰۲	۳/۲۵

۱/۰۸	۱/۰۵	استفاده از تلفن	
۳/۶۲	۲/۰۲	احساس امنیت در تردد شبانه	
۳/۵۲	۱/۹۳	میزان احساس امنیت	امنیت
۲/۶۲	۱/۵	دسترسی به مأمورین برقراری امنیت	
۱/۰۹	۴/۰۲	کاهش اختلافات قومی و قبیله‌ای	
۴/۱۷	۱/۸۲	سخت‌گیری خانواده‌ها نسب به ازدواج جوانان	
۲/۲	۳/۹	ازدواج در سن پایین	سن ازدواج
۱/۸۳	۳/۹	مهیا شدن شرایط ازدواج	
۱/۲	۱/۱۹	میزان طلاق	
۴/۷۸	۱/۲۲	دسترسی به خانه بهداشت	
۴/۱۷	۱/۱	استفاده از آب بهداشتی لوله‌کشی	بهداشت فردی و محیط
۱/۱۲	۱/۱۱	دسترسی به حمام بهداشتی	
۱/۰۸	۱/۲	دسترسی به غسالخانه	

\*مقیاس (۱=خیلی کم=۲ کم=۳ متوسط=۴ زیاد=۵خیلی زیاد)

همچنین در این پژوهش جهت پاسخگویی به این سؤال که آیا اسکان عشایر سبب بهبود شاخص‌های اجتماعی شده است؟ از آزمون مقایسه میانگین تی به منظور مقایسه شاخص‌ها در دو وضعیت قبل و بعد از اسکان استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول (۶) نشان داده شده است. همان‌گونه که در جدول مشخص است با توجه به سطح معناداری می‌توان اظهار نمود که بین میانگین مؤلفه‌های اجتماعی (رشد و سوادآموزی، وضعیت فرهنگی، امکانات رفاهی، امنیت، متناسب شدن سن ازدواج و بهداشت فردی و محیطی) عشایر قبل و بعد از اسکان تفاوت معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد، و نیز با توجه به میانگین رتبه‌ای این مؤلفه‌ها قبل از اسکان نسبت به بعد از اسکان می‌توان نتیجه گرفت که میانگین این مؤلفه‌های اجتماعی، بعد از اسکان افزایش پیدا کرده است. این یافته با توجه به وجود امکاناتی مانند مدرسه ابتدایی، خانه بهداشت، مرکز خدمات کشاورزی، آب و برق و خدمات حمل‌ونقل در روستا طبیعی به نظر می‌رسد. تنها شاخصی که پس از اسکان رشد منفی نشان داده است مربوط به تولید صنایع دستی عشایر بوده است که تا حدودی می‌توان علت آن را، قیمت پایین محصولات تولیدی، استقبال نشدن از محصولات و نبود بازارهای فروش محصولات عشایری در استان دانست. همچنین به علت تغییر سبک زندگی از عشایری به روستایی بسیاری از صنایع دستی مانند چیغ، سیاه‌چادر و غیره دیگر استفاده ندارند.

جدول ۶. نتایج آزمون t همبسته برای شاخص‌های اجتماعی عشایر قبل و بعد اسکان

Sig	Df	T	انحراف متوسط از میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	شاخص‌های اجتماعی
.۰۰۰	۵۹	-۱۱/۹۶	۰/۰۱	۰/۱۰	۱/۰۲	۶۰	قبل از اسکان
			۰/۰۸	۰/۶۲	۲/۰۳	۶۰	بعد از اسکان
.۰۰۷	۵۹	۱/۷۰	۰/۱۰	۰/۸۱	۱/۹	۶۰	قبل از اسکان
			۰/۰۶	۰/۵۴	۱/۶	۶۰	بعد از اسکان
.۰۰۰۶	۵۹	-۲/۸۵	۰/۰۵	۰/۴۱	۳/۰۳	۶۰	قبل از اسکان
			۰/۰۷	۰/۵۶	۳/۲۴	۶۰	بعد از اسکان
.۰۰۰	۵۹	-۱۰/۶۵	۰/۰۳	۰/۳۰	۱/۰۹	۶۰	قبل از اسکان
			۰/۰۴	۰/۳۳	۱/۷۴	۶۰	بعد از اسکان
.۰۰۰	۵۹	-۶/۳۵	۰/۰۵	۰/۴۲	۲/۳۷	۶۰	قبل از اسکان
			۰/۰۷	۰/۵۳	۲/۹۱	۶۰	بعد از اسکان
.۰۰۰	۵۹	۳/۷۰	۰/۰۵	۰/۴۳	۲/۶۹	۶۰	قبل از اسکان
			۰/۰۶	۰/۴۷	۲/۳۴	۶۰	بعد از اسکان
.۰۰۰	۵۹	-۳/۰۸	۰/۰۷	۰/۱۷	۱/۲	۶۰	قبل از اسکان
			۰/۰۴	۰/۸۰	۳/۲۱	۶۰	بعد از اسکان

## نتیجه گیری

بررسی، مطالعه و انجام پژوهش‌های علمی و کاربردی در خصوص مقایسه شرایط دو گروه از عشایر اسکان یافته و اسکان نیافته جهت تشخیص نقاط قوت و ضعف و همچنین میزان موفقیت طرح در توسعه ابعاد اقتصادی و اجتماعی اسکان یافته‌ها جهت تداوم و یا بازنگری در این سیاست‌ها ضرورت دارد. با توجه به نتایج تجزیه و تحلیل انجام گرفته، مشخص گردید در مورد جامعه عشایر اسکان یافته در منطقه مورد مطالعه، شاخص‌های اقتصادی نظیر درآمد، اشتغال و دامداری عشایر بعد از اسکان دارای رشد منفی، و شاخص‌های دو مؤلفه زراعت و جنگل و مراتع نسبت به قبل از اسکان دارای رشد مثبت بوده‌اند، هرچند که تفاوت شاخص‌های اقتصادی درآمد، اشتغال و دامداری قبل و بعد از اسکان معنی دار نبوده است. در زمینه‌ی شاخص‌های اجتماعی می‌توان نتیجه گرفت که اسکان سبب بهبود شاخص‌های اجتماعی (رشد و سوادآموزی، وضعیت فرهنگی، امکانات رفاهی، امنیت، متناسب شدن سن ازدواج و بهداشت فردی و محیط) شده است، اما تولید صنایع دستی عشایر دارای رشد منفی بوده است. بدین ترتیب می‌توان دریافت که اسکان بر زندگی و شرایط اقتصادی و اجتماعی عشایر تأثیر دارد. در برخی پژوهش‌ها تأیید گردیده است که اسکان در هر دو بعد اقتصادی و اجتماعی تأثیر مثبت داشته است (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۶)؛ برخی پژوهش‌ها مانند عبدالمهدی (۱۳۸۶)، لارسون<sup>۱</sup> و هاسان<sup>۲</sup> (۲۰۰۳)، و آسا<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) نیز بر اثرات منفی در بعد اقتصادی و یا اجتماعی اسکان یافته‌ها اشاره دارند. اما غالب پژوهش‌ها مانند ریاحی (۱۳۹۲)، رضوانی و دریکوند (۱۳۸۶)، باقری (۱۳۸۲) و خوگالی<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) تأثیر مثبت بر بعد اجتماعی و منفی (یا بدون تأثیر) بر بعد اقتصادی را بیان می‌دارند که نتایج این گروه از محققان با نتایج پژوهش حاضر نزدیکی و هماهنگی بیشتری دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده مبنی بر کاهش درآمد و اشتغال خانوارهای اسکان یافته به دلایل کاهش دام، عدم جایگزینی فعالیت‌های اقتصادی و مشاغل جایگزین، از این رو شایسته است که آموزش لازم در زمینه‌های مختلف پرورش گاو شیری، پروراندی و کاشت علوفه ارائه شود و اجرای سیاست‌های حمایتی و تشویقی از قبیل اعطای تسهیلات بانکی برای ساخت اصطبل و خرید دام سنگین در دستور کار قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود جهت اشتغال پایدار و در نتیجه بهبود وضع اقتصادی عشایر اسکان یافته، با توجه به قرار گرفتن محل اسکان در کنار رودخانه سیمره، تنوع درآمدی این قشر، از طریق سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف کشاورزی شامل آبی‌پروری، کشت باغ‌ها در اراضی شیب‌دار و کم‌بازده، با کمک سازمان‌های مربوطه و از طریق آموزش و اعطای تسهیلات بانکی کم‌بهره تقویت شود. با توجه به نتایج تحقیق مبنی بر کاهش میزان تولید صنایع دستی در شرایط پس از اسکان، پیشنهاد می‌شود از طریق برنامه‌های آموزشی و ترویجی و در نظر گرفتن تسهیلات کم‌بهره در زمینه‌ی تولید صنایع دستی پردرآمد و بازارپسند از قبیل قالی، قالیچه، جاجیم، و گلیم، عشایر را نسبت به تولید صنایع دستی ترغیب کرد چراکه توجه به این مهم، می‌تواند در ایجاد اشتغال پایدار و افزایش سطح درآمدی آنان مؤثر باشد.

## تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقای ایوب محمودی مستعلی بوده که در گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام از آن دفاع شده است.

## منابع

آزادی، یونس؛ گرکانی، سیدامیرحسین و آزادی، زیور. (۱۳۹۵). ارزیابی طرح‌های اسکان عشایر با تأکید بر نگرش اسکان یافتگان (نمونه موردی: سایت تلخاب-استان ایلام). فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۳۵(۱۵۶)، ۸۰-۶۷.  
امان الهی بهاروند، سکندر. (۱۳۷۶). کوچ‌نشینی در ایران. چاپ هشتم، تهران: انتشارات آگاه.

1. Vassa
2. Hassan
3. Larson
4. Khogali

- باقری، خدایار. (۱۳۸۲). تعیین آثار اسکان بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی عشایر اسکان‌یافته در روستای عشایری کوله جاز شوشتر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: احمد خاتون‌آبادی. دانشگاه صنعتی اصفهان.
- بریمانی، فرامرز؛ فاضل‌نیا، غریب و صیادی، زهرا. (۱۳۹۶). تأثیر اسکان عشایر بر میزان مشارکت زنان در تأمین درآمد خانوار (مطالعه موردی: زنان عشایر سیستانی)، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۴(۴)، ۷۹۱-۸۰۵.
- پاپ زن، عبدالمجید. (۱۳۹۳). بررسی میانگین لاشه دام‌های سبک عشایر استان کرمانشاه به‌منظور ارائه راهکار افزایش عملکرد. گزارش چکیده طرح‌های پژوهشی خاتمه یافته دستگاه‌های اجرایی استان کرمانشاه سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳.
- توفیقیان اصل، سید امیر؛ ریاحی، وحید؛ بخشنده نصرت، عباس و جلالیان، حمید. (۱۴۰۱). سنجش سطوح زیست‌پذیری کانون‌های اسکان عشایری بخش مرکزی شهرستان بویراحمد. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۷(۲)، ۵۱۹-۵۰۱
- توکلی، جعفر و ضیاء توانا، محمدحسن. (۱۳۸۸). پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال و بختیاری. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۱(۱)، ۵۳-۸۶.
- دهقانی، امین. (۱۳۹۸). تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر رضایت‌مندی اسکان روستاییان عشایری از کیفیت محیط سکونتی: مطالعه موردی: مناطق اسکان دشت بکان. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۴(۱)، ۱۶۳-۱۷۶.
- دهقانی، امین و عادل ساردویی، محسن. (۱۳۹۴). سنجش و ارزیابی معیارهای پایداری در کانون‌های اسکان عشایری (مطالعه موردی: کانون‌های اسکان عشایری در استان‌های فارس و اصفهان). *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۰(۳۲)، ۶۹-۵۵.
- ذاکری، عماد؛ قربانی، مهدی؛ بزرگمهر، علی و ربانی‌نسب، حجت‌الله. (۱۳۹۶). اولویت‌بندی مشکلات اجرای طرح‌های اسکان عشایر خراسان شمالی، بر اساس فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی. *فصلنامه مرتع و آب‌بخیزداری*، ۱۷(۱)، ۱۱۱-۱۲۳.
- رضایی، پژمان. (۱۳۹۱). ارزیابی برنامه ساماندهی عشایر در کانون‌های توسعه. *فصلنامه عشایری ذخائر انقلاب*، ۵۷، ۴۰-۹.
- رضوانی، محمدرضا و دریکوند، مسلم. (۱۳۸۶). بررسی و ارزیابی کانون‌های ساماندهی و اسکان عشایر مطالعه موردی: کانون کمری، شهرستان ازنا. *مجله جهاد*، ۲۷۹، ۱۵۱-۱۳۳.
- ریاحی، وحید؛ مرادی، ماریا؛ نظری، محمد و صادقی، موسی. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی ساختار اقتصادی عشایر شهرستان‌های قصرشیرین و ساوه. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۸(۲۲)، ۴۸-۵۸.
- ریاحی، وحید؛ احمدی، راشد و عزمی، آئیژ. (۱۳۹۲). بررسی نقش طرح‌های اسکان در توسعه اقتصادی و اجتماعی عشایر، مطالعه موردی کانون‌های اسکان استان کهگیلویه و بویراحمد. *فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۸، ۱۱۲-۹۵.
- سنایی مقدم، شروش و محمدی یگانه، بهروز. (۱۳۹۶). تحلیل جغرافیایی بر نقش سرمایه اجتماعی در کیفیت زندگی خانوارهای عشایری (مطالعه موردی: ایل نوئی، طایفه زیلابی، شهرستان چرام، کهگیلویه و بویراحمد). *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۲(۲)، ۳۳۹-۳۵۵.
- شاطریان، محسن؛ گنجی‌پور، محمود و اشنویی، امیر. (۱۳۹۶). تبیین پیامدهای فضایی احداث شهرک‌های عشایری برای روستاهای پیرامونی: مطالعه موردی روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهرنگ. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۴(۳)، ۱۵۰-۱۳۳.
- شیروانیان، عبدالرسول و صوفی، مجید. (۱۳۹۳). بررسی فقر خانوارهای عشایری در دوره خشک‌سالی و شناسایی عوامل تعیین‌کننده آن در استان فارس. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۷(۴)، ۱۱۰-۹۳.
- صالحی، اصغر. (۱۳۸۳). ارزیابی اثرات اقتصادی-اجتماعی طرح‌های ساماندهی عشایر در استان اصفهان. همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، تهران.
- صیدزاده، حیدر و رضایی، جعفر. (۱۳۹۵). مقایسه وضع درآمدی عشایر اسکان‌یافته و شناسایی عوامل ایجادکننده تفاوت‌های درآمدی در دو وضعیت کوچندگی و اسکان در استان ایلام. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۹(۳)، ۷۷-۱۰۰.
- صیدزاده، حیدر، و رضایی، جعفر. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر درآمد عشایر اسکان‌یافته در استان ایلام. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۶(۴)، ۱۶۲-۱۴۳.
- ضیاء توانا، محمدحسن و توکلی، جعفر. (۱۳۸۶). اسکان عشایر و تخریب مراتع در استان چهارمحال بختیاری. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۰(۲)، ۳۱-۶۲.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۸۶). اسکان عشایر و توسعه و بهبود حیات اجتماعی آنان در ایران (مطالعه موردی: طایفه وری علی نظر در استان ایلام). *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۱۵(۳۲)، ۵۳-۱۹.
- قندالی، کرملی. (۱۳۹۶). یادداشت مدیر مسئول. *فصلنامه عشایری ذخائر انقلاب*، ۵۸، ص ۵-۹.
- کرمی، حمیدرضا و دریکوندی، فیروز. (۱۳۹۵). اثرات اقتصادی-اجتماعی اسکان عشایر بر خانوارهای اسکان‌یافته در استان لرستان. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۹(۳)، ۲۴-۱.

- محمودی، دادگر؛ شیروانیان، عبدالرسول و چابکرو، غلامرضا. (۱۳۹۵). بررسی فقر اقتصادی عشایر اسکان یافته استان فارس و تعیین عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۹ (۳)، ۱۱۹-۱۰۱.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۷). معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی، نتایج تفصیلی سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده استان کرمانشاه. نوروزی، اصغر و محمودیان، فرزاد (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی شاخص های اقتصادی و اجتماعی عشایر اسکان یافته و اسکان نیافته (مطالعه موردی: شهرستان کوهرنگ). فصلنامه برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)، ۵ (۴)، ۳۸-۱۷.
- Agba, A. M., Ogaboh. J. J., Akpanudoedehe & E. M. Ushie. (2010). Socio \_ Economic and cultural Impact of Resettlement on Bakassi people of Cross River State, Nigeria. *Studies in sociology of Science*, 2, 22-50.
- Eneyew, A. (2012). Is settling pastoralists a viable livelihood strategy? *Scholarly Journal of Agricultural Science*, 2(5), 94-102.
- Gruseke, A. (2008). *Average per capita annual income of Tibetan pastoralists*. Data and Misconceptions Leipzig: Leipzig University.
- Hirano, A. (2003). Mapping Sedentarisation of the Rendille pastoralists in Marsabit, Northern Kenya Using remotely sensed Image Data. Association of American Geographers, University of Tsukuba.
- Khogali, M. M. (2001). *Nomads and their Sedentarisation in the Sudan*. Department of Geography, University of Khartoum.
- Larsen, K., & Hassan, M. (2003). *Sedentarisation of Nomadic People: The Case of the Hawawir in Um Jawasir*. Northern Sudan. Drylands Coordination Group.
- Vassa, S. (2001). Sedentarization of pastoral nomads. Available on: <http://www.assa.net/saloni/nomadshmtm>.

**How to cite this article:**

Mahmoudi Mastali, A., & Vahedi, M. (2023). Investigating Socio-Economic Consequences of Nomads Settlement (Case study: Godarpee Site of Kermanshah Township). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 17(4), 1139-1152.

ارجا به این مقاله:

محمودی مستعلی، ایوب و واحدی، مرجان. (۱۴۰۱). بررسی پیامدهای اقتصادی - اجتماعی اسکان عشایر (مطالعه موردی: سایت گذارپی شهرستان کرمانشاه). فصلنامه مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی، ۱۷ (۴)، ۱۱۳۹-۱۱۵۲.

# فصلنامه علمی

## مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی